



A Comparative Study Of The Criminal Liability Of Illegitimate Children Resulting From Artificial Insemination Outside The Legal Framework In Iranian And French Criminal Law

Mohammad Ali Chapari¹

¹ Assistant Professor Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: dr.m.ali.chapari@iau.ac.ir

Abstract

The rapid advancement of assisted reproductive technologies, particularly artificial insemination, has posed complex questions for the criminal justice system regarding the scope of criminal liability of individuals and the legal status of the resulting child. This article, employing a descriptive-analytical method with a comparative approach between Iranian and French law, examines the criminal liability of physicians, parents, and the legal consequences for children born through unauthorized insemination. The findings indicate that under Iranian law, due to the absence of comprehensive legislation and reliance on Islamic jurisprudential principles, insemination with a non-spousal or extramarital gamete may be construed as violating Sharia-defined offenses or public family order, potentially giving rise to direct or accomplice criminal liability, particularly for a physician aware of the act's nature. Furthermore, according to the dominant view of Islamic jurists, the child resulting from such procedures is considered illegitimate (*walad al-zina*) or the offspring of doubt, thereby deprived of certain fundamental rights such as *qisas* (retribution), inheritance, and *diyya* (blood money)—a position that conflicts with core principles of criminal justice, including personal liability, non-discrimination, and the inherent dignity of the child. In contrast, French law, guided by bioethical principles and the criminalization of violations, attributes criminal liability to the physician or parents while fully safeguarding the child from any adverse legal consequences. In this framework, the principle of the child's best interests and the presumption of parentally consented filiation hold a central position. The comparative analysis underscores the necessity for Iran to revisit its criminal policy, enact comprehensive legislation on artificial insemination, delineate the limited criminal liability of excusable actors, and fully guarantee the rights of the child.

Keywords: Artificial insemination, criminal liability, born child, Iranian criminal law, French criminal law, comparative criminal policy

مطالعه تطبیقی مسؤلیت کیفری فرزند نامشروع ناشی از تلقیح مصنوعی خارج از چارچوب قانونی در حقوق کیفری ایران و فرانسه*

محمد علی چاپاری^۱

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

رایانامه نویسنده مسئول: dr.m.ali.chapari@iau.ac.ir

چکیده

رشد فزاینده فناوری‌های نوین کمک‌باروری و به‌ویژه تلقیح مصنوعی، نظام عدالت کیفری را با پرسش‌های پیچیده‌ای درباره حدود مسؤلیت کیفری اشخاص و وضعیت حقوقی طفل متولد مواجه ساخته است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی میان حقوق ایران و فرانسه، به بررسی مسؤلیت کیفری پزشک، والدین و آثار مترتب بر کودک حاصل از تلقیح غیرمجاز می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، به دلیل فقدان قانون‌گذاری جامع و اتکا به ضوابط فقهی، تلقیح با نطفه غیر همسر یا خارج از چارچوب نکاح مشروع، قابلیت انطباق با بزه‌های شرعی یا نقض نظم عمومی خانوادگی را داشته و می‌تواند موجب مسؤلیت کیفری مباشر یا معاون، به‌ویژه پزشک آگاه به ماهیت عمل گردد. افزون بر این، طفل حاصل از این فرایند بر مبنای نظر غالب فقها، در زمره ولدالزنا یا ناشی از شبهه تلقی می‌شود و از برخی حقوق بنیادین مانند قصاص، ارث و دیه محروم می‌گردد؛ امری که با اصول اساسی عدالت کیفری نظیر شخصی بودن مسؤلیت، منع تبعیض و کرامت ذاتی کودک تعارض دارد. در مقابل، حقوق فرانسه با بهره‌گیری از قواعد اخلاق زیستی (Bioéthique) و پیش‌بینی جرم‌انگاری مستقل برای متخلفان، مسؤلیت کیفری را متوجه پزشک یا والدین دانسته و طفل را مطلقاً مبرا از هرگونه پیامد منفی معرفی کرده است. بر این اساس، اصل مصلحت‌عالی کودک و فرض نسب ناشی از رضایت والدین، جایگاه ویژه‌ای یافته است. تحلیل تطبیقی حاضر بر ضرورت بازنگری در سیاست جنایی ایران، تدوین مقررات جامع در حوزه تلقیح مصنوعی، تحدید مسؤلیت کیفری اشخاص معذور و تضمین کامل حقوق کودک دلالت دارد.

واژگان کلیدی: تلقیح مصنوعی، مسؤلیت کیفری، طفل متولد، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری فرانسه، سیاست جنایی تطبیقی

شابک چاپی: ۲۴۷۶-۴۸۳۳

شابک الکترونیکی: ۲۵۸۸-۷۰۸۴

ناشر: دانشگاه حضرت معصومه(س)

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

پیشرفت‌های شتابان در حوزه زیست‌پزشکی و ظهور فناوری‌های نوین کمک‌باروری، به‌ویژه تلقیح مصنوعی، نظام‌های حقوقی را با مسائل و چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است که پیش‌تر در چارچوب قواعد کلاسیک حقوق خصوصی یا کیفری مسبوق به سابقه نبود. (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۳۲) یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تعیین حدود مسئولیت کیفری اشخاصی است که خارج از ضوابط قانونی و الزامات شرعی اقدام به انجام تلقیح مصنوعی می‌نمایند. افزون بر آن، تبیین وضعیت حقوقی و کیفری طفل متولد از این فرآیند نیز از حیث آثار حقوقی و پیامدهای اجتماعی واجد اهمیت فراوان است.

در نظام حقوقی ایران، مشروعیت تلقیح مصنوعی منوط به رعایت شرایط مقرر در فقه امامیه و تحقق رابطه زوجیت قانونی است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ ج ۲: ۲۴۸، نجفی، ۱۳۷۵، ج ۲۹: ۲۶۰) خروج از این چارچوب، به‌ویژه در مواردی همچون تلقیح با نطفه بیگانه، فقدان رضایت معتبر یا وقوع تقلب در فرآیند تلقیح، می‌تواند واجد وصف کیفری گردد و تحت عناوینی چون تعرض به تمامیت جسمانی، جعل، استفاده از سند مجعول یا حتی افساد فی الارض مورد تعقیب قرار گیرد. در چنین شرایطی، مسأله مشروعیت نسب و آثار آن بر وضعیت طفل، با توجه به احکام مربوط به ولدالزنا و ولد شبهه، از حیث محرومیت از برخی حقوق اساسی همچون ارث، قصاص و دیه، در نظام کیفری ایران حساسیت دوچندان می‌یابد.

در مقابل، حقوق فرانسه تلقیح مصنوعی را در پرتو مقررات روشن "اخلاق زیستی" (Bioéthique) سامان‌دهی کرده و هرگونه تخلف از ضوابط مقرر را در قالب مسئولیت کیفری مستقل برای پزشک یا والدین متخلف پیش‌بینی نموده است. با این حال، طفل متولد از تلقیح غیرقانونی در این نظام، صرف‌نظر از شرایط انعقاد نطفه، از حمایت مطلق کیفری و مدنی برخوردار است. (République Française, 2021, art. L2141-1)

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مسئولیت کیفری ناشی از تلقیح مصنوعی غیرمجاز و واکاوی وضعیت حقوقی طفل حاصل از آن، با تأکید بر نظام حقوقی ایران و با بهره‌گیری از مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، سامان یافته است. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تلقیح مصنوعی خارج از چارچوب قانونی در چه مواردی واجد وصف کیفری است؟
۲. وضعیت حقوقی و کیفری طفل حاصل از چنین تلقیحی در حقوق ایران و فرانسه چگونه تبیین می‌شود؟
۳. مبانی فقهی و قانونی مسئولیت پزشک، والدین یا سایر اشخاص دخیل در این فرآیند چیست و چگونه می‌توان میان آن و حمایت از حقوق کودک تعادل برقرار کرد؟

۱. مفاهیم و مبانی نظری

تلقیح مصنوعی (*Artificial Insemination*) از منظر زیستی عبارت است از انتقال مستقیم اسپرم به دستگاه

تناسلی زن بدون انجام رابطه جنسی به منظور تحقق باروری. این روش به دو شیوه اصلی قابل تقسیم است:

• **تلقیح با نطفه هم‌سر (AIH):** در این حالت، منبع اسپرم شوهر است و به لحاظ زیستی و فقهی، ارتباط نسبی و خانوادگی کودک با والدین حفظ می‌گردد.

• **تلقیح با نطفه بیگانه (AID):** در این شیوه، اسپرم متعلق به فردی غیر از شوهر است و بدین ترتیب، منشأ ژنتیکی کودک از والد قانونی متفاوت خواهد بود.

علاوه بر این، در فناوری‌های پیشرفته‌تر از روش‌هایی نظیر لقاح خارج رحمی (IVF) نیز استفاده می‌شود که طی آن نطفه در محیط آزمایشگاهی ترکیب و سپس به رحم منتقل می‌گردد (WHO, 2020, p. 15).

نظام حقوقی ایران به دلیل فقدان قانون‌گذاری جامع در زمینه فناوری‌های کمک‌باروری، بیش از هر چیز متکی بر ضوابط فقه امامیه است. اصل کلی در فقه آن است که مشروعیت نسب تنها در بستر نکاح معتبر شکل می‌گیرد. (حسینی، ۱۳۹۶: ۹۲) بر این اساس:

• **تلقیح با نطفه همسر در چارچوب زوجیت رسمی** مشروع تلقی شده و آثاری مشابه نسب طبیعی دارد.

• **تلقیح با نطفه بیگانه** غالب فقهای امامیه آن را در حکم زنا می‌دانند، هرچند تحقق ارکان اثبات زنا بر آن بار نمی‌شود. در این صورت، کودک متولد «ولدالزنا» یا «ولد شبهه» محسوب شده و پیامدهایی همچون محرومیت از ارث، قصاص و برخی حقوق مدنی را متحمل می‌گردد.

به همین دلیل، تلقیح خارج از زوجیت مشروع می‌تواند موجبات مسؤولیت کیفری و مدنی برای پزشک، والدین یا سایر اشخاص دخیل را فراهم سازد. این وضعیت بیانگر خلأ جدی در سیاست تقنینی ایران در حوزه زیست‌پزشکی است.

در فرانسه، موضوع تلقیح مصنوعی به‌طور شفاف در **قانون سلامت عمومی** و به‌ویژه در **قوانین بایواتیک** سامان‌دهی شده است. بر اساس ماده L2141-1 از *Code de la Santé Publique*:

- انجام تلقیح تنها با رضایت کتبی زوجین یا شرکای زندگی مشترک پایدار مجاز است.
- مراکز پزشکی موظف به ثبت دقیق اطلاعات ژنتیکی و رعایت اصل محرمانگی می‌باشند.
- تلقیح با نطفه بیگانه، در صورت رعایت ضوابط قانونی و با هدف درمان ناباروری، مشروع و مجاز تلقی می‌شود.

این رویکرد در مقایسه با حقوق ایران، بیانگر نگرشی انعطاف‌پذیر و انسان‌مدار است که مشروعیت تلقیح را نه صرفاً بر اساس منشأ نطفه بلکه بر مبنای رضایت زوجین و مصلحت خانواده تعریف می‌کند.

۲. تلقیح مشروع و تلقیح غیرقانونی: ضوابط، محدودیت‌ها و پیامدها

در نظام حقوقی ایران، تلقیح مصنوعی در صورتی مشروع و مجاز تلقی می‌شود که شرایط زیر به‌طور هم‌زمان رعایت گردد:

۱. وجود رابطه زوجیت قانونی و معتبر در زمان تلقیح و تولد طفل؛
۲. استفاده از نطفه زوجین قانونی بدون مداخله اشخاص ثالث؛
۳. احراز رضایت آگاهانه و معتبر از سوی هر دو زوج؛
۴. جلوگیری از اختلاط نطفه‌ها و رعایت ضوابط اخلاقی و شرعی.

در صورت تحقق این شرایط، طفل حاصل از تلقیح از تمامی حقوق مدنی و کیفری بهره‌مند بوده و نسب وی مشروع تلقی می‌شود.

تخلف از ضوابط فوق، به‌ویژه در مواردی چون تلقیح با نطفه بیگانه، فقدان رضایت معتبر یکی از زوجین یا ارتکاب تقلب در فرآیند تلقیح، واجد وصف کیفری است. مهم‌ترین پیامدهای آن عبارت‌اند از:

- ورود غیرمجاز به تمامیت جسمانی: در صورت انجام تلقیح بدون رضایت، مشمول ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی.
- جعل و تقلب در هویت طفل: صدور اسناد خلاف واقع به نام زوجین قانونی، مصداق جرم جعل اسناد رسمی و استفاده از سند مجعول (مواد ۵۳۳ به بعد ق.م.ا.).
- اعانت بر حرام یا افساد فی الارض: در صورت تلقیح با نطفه بیگانه یا ارتکاب عمدی اقدامات خلاف نظم عمومی خانوادگی.
- آثار فقهی و مدنی بر طفل: طفل متولد در اغلب موارد «ولد الزنا» یا «ولد شبهه» تلقی شده و از برخی حقوق همچون ارث، قصاص و دیه محروم می‌شود.

در فرانسه، تلقیح مصنوعی در صورتی مشروع است که تحت نظارت مراکز درمانی مجاز و با رعایت الزامات زیر انجام گیرد:

۱. رضایت کتبی و آگاهانه زوجین یا شرکای زندگی مشترک؛
۲. ثبت دقیق اطلاعات ژنتیکی و رعایت اصل محرمانگی؛
۳. استفاده از نطفه بیگانه یا اهداشده صرفاً برای رفع ناباروری و با نظارت رسمی.

تخلف از این شرایط، مطابق ماده ۲۴-۵۱۱ Code pénal، موجب مسؤولیت کیفری برای پزشک یا مراکز درمانی است و مجازات‌هایی نظیر حبس یا محرومیت از اشتغال حرفه‌ای به دنبال دارد. ویژگی اساسی حقوق فرانسه آن است که حتی در صورت غیرقانونی بودن تلقیح، طفل متولد به‌طور مطلق از حمایت قانونی برخوردار است. هیچ‌گونه مسؤولیتی بر عهده کودک نیست و تمامی حقوق مدنی و کیفری وی محفوظ می‌ماند. این سیاست بیانگر رویکردی از سان‌مدارانه و کودک‌محور است که اصل «مصلحت عالی کودک» را بر هرگونه تحلیل کیفری مقدم می‌داند.

۳. تحلیل مسؤولیت کیفری ناشی از تلقیح مصنوعی غیرقانونی

با وجود فقدان قانون جامع در خصوص فناوری‌های کمک‌باروری، مقررات پراکنده موجود در حقوق ایران و تحلیل فقهی از اصول شرعی، زمینه‌ای برای بررسی مسؤولیت کیفری اشخاص دخیل در تلقیح غیرمجاز فراهم می‌آورد. مصادیق اصلی عبارت‌اند از:

از منظر فقهی و حقوقی، احترام به اراده و رضایت اشخاص از اصول بنیادین حقوق کیفری و پزشکی است. انجام تلقیح بدون رضایت کتبی و معتبر یکی از زوجین، مصداق ورود غیرمجاز به تمامیت جسمانی محسوب می‌شود و می‌تواند تحت شمول ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد. (اردبیلی، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۵) در صورتی که این اقدام منجر به ورود ضرر یا تولد طفل ناخواسته گردد، مسؤولیت پزشک به عنوان مباشر جرم محرز است. نظر غالب فقهای امامیه بر این است که تلقیح با اسپرم فرد بیگانه در حکم زنا محسوب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۵۲، نجفی، ۱۳۷۵، ج ۲۹: ۲۶۵)، هرچند شرایط اثبات زنا (از حیث بینه یا اقرار) بر آن صدق نمی‌کند. در این حالت:

- پزشک یا مرکز درمانی ممکن است به عنوان معاون در ارتکاب حرام یا تسهیل‌کننده مقدمات جرم مسؤول شناخته شود.
- والدین، به‌ویژه در صورت علم و عمد، می‌توانند مشمول عناوین کیفری اعانت بر حرام یا تدلیس واقع شوند.
- طفل حاصل، غالباً در حکم ولد الزنا یا ولد شبهه تلقی می‌شود و پیامدهای فقهی و حقوقی سنگینی متوجه او خواهد بود.

اگر در فرآیند تلقیح، هویت واقعی نطفه پنهان و اسناد هویتی کودک بر خلاف واقع صادر شود. (کاویانی، ۱۴۰۱: ۶۲) این امر مشمول جرم جعل و استفاده از سند مجعول (مواد ۵۳۳ به بعد ق.م.ا.) خواهد بود. مسؤولیت در این حالت

نه تنها متوجه پزشک، بلکه والدین یا هر شخصی است که در جعل و ارائه اطلاعات خلاف واقع مشارکت داشته است.

۴. زمینه‌های مسؤولیت کیفری تلقیح مصنوعی در حقوق فرانسه

نظام حقوقی فرانسه با تصویب مقررات منسجم در حوزه «اخلاق زیستی (Bioéthique)» و درج مواد ویژه در **قانون کیفری**، چارچوبی روشن برای شناسایی مسؤولیت کیفری در حوزه تلقیح مصنوعی غیرقانونی فراهم آورده است. مهم‌ترین موارد به شرح زیر است:

بر اساس ماده ۲۴-۵۱۱ Code pénal، هرگونه اقدام به تلقیح مصنوعی یا لقاح خارج رحمی بدون رضایت کتبی زوجین جرم محسوب شده و برای مرتکب، مجازات حبس و ممنوعیت از اشتغال حرفه‌ای در نظر گرفته شده است (Ministère de la Justice, 2021, art. 511-24).

مطابق مقررات Code de la Santé Publique، هرگونه استفاده از اسپرم، تخمک یا جنین خارج از چارچوب قانونی (مانند فقدان ثبت رسمی یا فقدان نظارت اخلاقی) تخلف سنگین و قابل تعقیب کیفری است. در صورت بروز اختلاط یا تعویض عمدی نطفه (Kaul, 2020, p. 142)، پزشک یا مرکز درمانی به مسؤولیت کیفری و مدنی محکوم می‌گردد.

افشای غیرقانونی اطلاعات مربوط به منشأ ژنتیکی کودک یا فقدان ثبت صحیح آن، نقض اصل محرمانگی اطلاعات پزشکی است و مسؤولیت کیفری مستقلی برای پزشک یا مرکز درمانی ایجاد می‌کند.

مقایسه دو نظام حقوقی ایران و فرانسه حاکی از تفاوت‌های بنیادین است:

• **ایران:** رویکردی فقه‌محور، فاقد قانون جامع و صریح، مبتنی بر تطبیق بر قواعد عام کیفری. مسؤولیت‌ها گاه

مبهم و متداخل است. افزون بر آن، آثار کیفری و مدنی گاه متوجه طفل نیز می‌شود.

• **فرانسه:** وجود قوانین صریح و شفاف در زمینه اخلاق زیستی، پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای دقیق و مستقل برای

پزشکان و والدین، و تفکیک کامل مسؤولیت طفل از والدین و مباشرین.

در نتیجه، می‌توان گفت نظام ایران بیشتر بر پرهیز از حرام و صیانت از نسب شرعی تمرکز دارد، حال آنکه نظام

فرانسه بر صیانت از حقوق کودک و تضمین نظم زیستی-اجتماعی استوار است.

۵. تحلیل وضعیت حقوقی و کیفری طفل ناشی از تلقیح مصنوعی غیرقانونی

در فقه امامیه، مشروعیت نسب صرفاً در بستر نکاح معتبر شکل می‌گیرد. (یزدی، ۱۴۰۲: ۱۸۸؛ بنابراین، هرگاه انعقاد نطفه در چهارچوب زوجیت قانونی و شرعی تحقق یابد، نسب مشروع است و آثار کامل حقوقی و کیفری بر آن مترتب می‌شود. در تلقیح مصنوعی نیز همین قاعده ملاک عمل است:

• اگر تلقیح با نطفه شوهر و در زمان زوجیت رسمی انجام گیرد، طفل مشروع محسوب می‌شود، حتی اگر تخلفاتی در فرآیند پزشکی رخ داده باشد.

• اگر تلقیح با نطفه بیگانه یا خارج از رابطه زوجیت باشد، غالب فقهای امامیه طفل را در حکم ولد الزنا یا ولد

شبهه می‌دانند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۲۵۳، نجفی، ۱۳۷۵: ج ۲۹: ۲۶۵)

پیامدهای این وضعیت بسیار گسترده است، از جمله:

۱. عدم توارث میان فرزند و پدر بیولوژیک؛

۲. عدم تحقق ولایت قهری پدر بر چنین فرزندی؛

۳. عدم تعلق نفقه و دیه متقابل میان فرزند و پدر؛

۴. عدم امکان قصاص میان پدر و فرزند (مطابق ماده ۳۰۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲)؛

۵. محرومیت از برخی مناصب عمومی و شرعی به دلیل انتساب به نسب نامشروع.

این وضعیت در حالی است که کودک هیچ نقشی در نحوه انعقاد نطفه خود ندارد و با اصولی چون شخصی بودن

مسئولیت کیفری و کرامت انسانی کودک تعارض جدی دارد.

در نظام حقوقی فرانسه، مبنای مشروعیت نسب و حمایت از کودک بر اراده والدین و مصلحت عالی طفل استوار

است (Kaul, 2020, p. 158). بر همین اساس:

۱. اصل کرامت و حمایت مطلق از کودک: مطابق اصل *intérêt supérieur de l'enfant* (مصلحت عالی

کودک) که در اسناد داخلی و بین‌المللی نظیر کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ پذیرفته شده، هر کودک

صرف نظر از نحوه تولد، مستحق حمایت کامل مدنی و کیفری است (UNICEF, 2019, p. 32).

۲. فرض نسب قانونی مبتنی بر رضایت: اگر زوجین به‌طور کتبی رضایت به تلقیح داده باشند، حتی اگر تلقیح

با نطفه بیگانه باشد، طفل به شوهر منسوب می‌شود. این قاعده در حقوق فرانسه به *présomption de*

paternité (فرض پدر بودن شوهر) شناخته می‌شود.

۳. تفکیک مسؤولیت والدین و پزشک از طفل: حتی اگر والدین یا پزشک مرتکب جرم یا تخلف شوند، طفل هیچ‌گونه مسؤولیت مدنی یا کیفری ندارد و همانند سایر کودکان مشروع از حقوق برابر بهره‌مند است. مقایسه ایران و فرانسه در خصوص وضعیت طفل حاصل از تلقیح غیرقانونی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱ - مقایسه وضعیت طفل در ایران و فرانسه

حقوق فرانسه	حقوق ایران	جنبه
رضایت قانونی والدین	زوجیت شرعی و نطفه مشروع	مبنای مشروعیت نسب
مشروع و دارای حمایت مطلق	در حکم ولدالزنا، با آثار کیفری و مدنی محدودکننده	طفل حاصل از تلقیح با نطفه بیگانه
عدم مسؤولیت مطلق	تبعات کیفری و مدنی (محرومیت از ارث، قصاص و...)	مسؤولیت کودک در تولد غیرقانونی
بی‌قید و شرط و مطلق	محدود و مشروط	حمایت قانونی از کودک

این مقایسه نشان می‌دهد که حقوق ایران با تمرکز بر صیانت از نسب شرعی، عملاً کودک را متحمل محرومیت‌های گسترده می‌سازد، در حالی که حقوق فرانسه با تأکید بر مصلحت عالی کودک، وی را کاملاً مبرا دانسته و همه حقوق مدنی و کیفری را تضمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحولات گسترده در عرصه زیست‌پزشکی و بهره‌گیری از فناوری‌های کمک‌باروری، از جمله تلقیح مصنوعی، نظام‌های کیفری را با پرسش‌های بنیادینی مواجه ساخته است. بررسی تطبیقی میان حقوق ایران و فرانسه نشان داد که رویکرد دو نظام نسبت به مسؤولیت کیفری اشخاص دخیل در تلقیح غیرقانونی و وضعیت حقوقی طفل متولد، اختلافات عمیق ماهوی دارد.

در حقوق ایران، به دلیل فقدان قانون جامع و صریح در زمینه فناوری‌های باروری، تکیه اصلی بر مبانی فقه امامیه است. (کاویانی، ۱۴۰۱: ۷۱) این امر سبب شده است که تلقیح با نطفه بیگانه یا خارج از نکاح معتبر، ذیل عناوین کیفری عام چون «اعانت بر حرام»، «ورود غیرمجاز به تمامیت جسمانی» یا «جعل اسناد» تحلیل گردد. در نتیجه، مسؤولیت کیفری پزشک و والدین در هاله‌ای از ابهام و پراکندگی قرار دارد. مهم‌تر آنکه طفل حاصل از این فرایند، علی‌رغم بی‌نقشی مطلق در نحوه انعقاد نطفه، غالباً با برچسب «ولدالزنا» یا «ولد شبهه» مواجه می‌شود و از حقوق بنیادینی همچون ارث، قصاص و دیه محروم می‌گردد. این رویکرد علاوه بر آنکه با اصول نوین عدالت کیفری، به‌ویژه «شخصی بودن مسؤولیت» و «منع تبعیض»، ناسازگار است، تعارضی جدی با کرامت انسانی کودک بی‌گناه ایجاد می‌کند.

در حقوق فرانسه، قانون‌گذار با تصویب مقررات دقیق در حوزه اخلاق زیستی (Bioéthique) و پیش‌بینی جرم‌انگاری مستقل، مرزهای مسئولیت کیفری را به‌وضوح مشخص نموده و آن را صرفاً متوجه پزشکان یا والدین خاکی دانسته است (République Française, 2021, p. 9). اصل بنیادین در این نظام، «مصلحت عالی کودک» است؛ بدین معنا که طفل، فارغ از شرایط تولد، از حمایت مطلق حقوقی و کیفری برخوردار است و هیچ محرومیتی متوجه وی نمی‌شود (UNICEF, 2019, p. 38; WHO, 2020, p. 19).

مقایسه تطبیقی این دو رویکرد نشان می‌دهد که نظام ایران نیازمند بازنگری بنیادین در سیاست جنایی خویش است. پذیرش کرامت ذاتی کودک و تفکیک کامل مسئولیت والدین و پزشکان از وضعیت طفل، ضرورتی انکارناپذیر در پرتو تحولات اجتماعی و بین‌المللی است. به‌ویژه آنکه تعهدات ناشی از اسناد حقوق بشری، از جمله کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، ایران را ملزم به تضمین حمایت برابر از همه کودکان می‌سازد.

پیشنهادهای

۱. تقنین جامع در حوزه باروری پزشکی: تصویب قانونی خاص تحت عنوان «قانون باروری پزشکی و تلقیح مصنوعی» که شرایط مشروع، مسئولیت‌ها و ضمانت‌اجراهای کیفری و مدنی را به‌طور شفاف بیان نماید.
۲. بازنگری در مفهوم مشروعیت نسب: جایگزین ساختن معیار «کرامت انسانی کودک» به‌جای برچسب‌گذاری‌های سنتی مانند ولدالزنا، و تفکیک مطلق وضعیت طفل از مسئولیت والدین.
۳. تحدید مسئولیت کیفری پزشکان: تعیین دقیق حدود مسئولیت پزشک بر اساس عنصر روانی (علم و عمد) و رعایت اصول حرفه‌ای، تا از مسئولیت‌زایی غیرمنصفانه جلوگیری شود.
۴. تلفیق موازین فقه پویا و تجارب تطبیقی: استفاده از ظرفیت اجتهاد پویا در فقه امامیه برای انطباق با شرایط نوین زیست‌پزشکی، همراه با الگوبرداری از تجارب موفق فرانسه و سایر کشورها.
۵. حمایت تقنینی مطلق از کودک: تصریح در قوانین مبنی بر اینکه طفل متولد از تلقیح غیرقانونی، تحت هیچ شرایطی از حقوق مدنی و کیفری محروم نمی‌شود و مسئولیت‌ها صرفاً بر عهده مباشرین و شرکای جرم خواهد بود.
۶. آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی: ارتقای سطح دانش حقوقی و اخلاقی زوجین، پزشکان و مراکز درمانی در حوزه باروری مصنوعی، به‌منظور پیشگیری از تخلفات و کاهش دعاوی کیفری.

منابع

۱. اردبیلی، محمد (۱۴۰۰) حقوق جزای عمومی (جلد ۱). تهران: میزان.
۲. حسینی، سید محمد. (۱۳۹۶). بررسی فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی در نظام کیفری ایران. فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۲(۳)، ۸۹-۱۰۸.
۳. کاویانی، نادر. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی حمایت کیفری از فرزند نامشروع در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش حقوق کیفری تطبیقی، ۳(۱)، ۵۵-۷۷.
۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹) تحریر الوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۵) جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۹، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۶. یزدی، محمدکاظم (۱۴۰۲) العروة الوثقی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

References

1. Kaul, R. (2020). *Reproductive Technologies and the Rights of the Child: A Comparative Analysis of French and Islamic Law*. Oxford: Hart Publishing.
2. Ministère de la Justice. (2021). *Code pénal français*. Paris: Dalloz.
3. République Française. (2021). *Loi de Bioéthique*. Paris: Journal officiel de la République française.
4. UNICEF. (2019). *Convention on the Rights of the Child: Implementation Handbook*. New York: United Nations.
5. WHO. (2020). *Ethical Considerations in Assisted Reproductive Technologies*. Geneva: World Health Organization.